

« بررسی خشونت نسبت به زنان

باتاکید بر خشونت علیه زنان در ایران و گزارش خانم دکتر یاکین ارتورک،
گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل متحد»

دکتر زُزا قراچورلو

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مرکز)

وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری



بند الف — تعریف و مصادیق خشونت علیه زنان طبق اعلامیه ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بند ب — اسناد بین المللی منطقه ای مربوط به خشونت علیه زنان

بند ج — کلیاتی در مورد گزارشگران ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان

بند د — موضوعاتی که مورد توجه و بررسی گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان سازمان ملل متحد قرار می گیرد:

۱ — خشونت علیه زنان در خانواده (خشونت های خانگی)

۲ — خشونت علیه زنان در جامعه

۳ — خشونت علیه زنان توسط دولت و نهادهای دولتی و حکومتی

۴ — قاچاق زنان و دختران برای بکارگیری آنها در امر فحشاء اجباری

بند ه — گزارش گزارشگر ویژه موضوعی ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان (خانم دکتر یاکین ارتورک)

بند و — آمار و اشاره به مصادیق خشونت علیه زنان در ایران در گزارش خانم دکتر یاکین ارتورک

بند ز — ارتباط متقابل میان خشونت علیه زنان و بیماری ایدز (HIV)

بند ح — نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۸ آوریل ۲۰۰۵ در موضوع خشونت علیه زنان و وضعیت زنان خشونت دیده در جهان

نتیجه گیری



مقدمه

خشونت نسبت به زنان یک پدیده نا بهنجار اجتماعی و جامعه شناختی است که ریشه در علل و اسباب متعدد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی دارد. مسئله رفتار با زنان در داخل خانه و خانواده که زمانی امری خصوصی محسوب می شد، امروزه دیگر در حیطه مسائل مهم حقوق بشری وارد شده است و از قلمرو خصوصی همسران و مردان خارج شده و مورد توجه و حساسیت دولتها و نهادهای بین المللی دولتی و غیر دولتی و سازمانهای تخصصی مرتبط قرار گرفته است.

سازمان عفو بین المللی که یکی از مهمترین سازمانهای بین المللی غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر به شمار می رود، به صراحت بیان نموده است که حقوق زنان، حقوق بشر است و نقض حقوق زنان، نقض حقوق بشر خواهد بود. نقض خشونت علیه زنان هم ریشه در فقر اقتصادی و هم ریشه در فقر اخلاقی و فرهنگی دارد و بر حسب گزارش صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) با عنوان پیشرفت ملتها، خشونت علیه زنان و دختران، شایع ترین نقض شکل حقوق بشر در جهان است.

در این مقاله سعی شده است تا ضمن تعریف و بیان مصادیق خشونت علیه زنان از نظر اسناد بین المللی (اعم از جهانی و منطقه ای) و طبقه بندی انواع خشونت علیه زنان براساس عامل خشونت و محیطی که این خشونتها در آن اعمال میگردد، به تعریف جامع و کاملی از خشونت علیه زنان دست یابیم. در این راستا نقش مهم و برجسته گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان و نیز گزارش اخیر خانم دکتر یاکین ارتورک پس از بازدید دو هفته ای ایشان از ایران در خصوص وضعیت زنان در ایران، جهت تنویر هر چه بیشتر موضوع ذکر می گردد.

بند الف - تعریف و مصادیق خشونت علیه زنان طبق اعلامیه ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

این اعلامیه که توسط مجمع عمومی ملل متحد و در راستای اقدامات انجام شده به وسیله کمیسیون مقام زن، در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب رسیده است، تحت عنوان اعلامیه رفع خشونت نسبت به زنان، برای نخستین بار، خشونت علیه زنان را بدین شرح در ماده (۱) خود تعریف نموده است: « هر گونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که باعث بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب های جسمی، جنسی و یا روانی و یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام آنها شود و نتیجه آن محرومیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع و یا زندگی خصوصی می باشد.» در ماده (۲) اعلامیه یاد شده؛ مصادیق این خشونت به شرح ذیل بر شمرده شده است:

۱- خشونت های جسمی، جنسی و روانی در خانواده شامل کتک زدن، سوء استفاده جنسی از کودکان مؤنث، خشونت های مربوط به مسئله جهیزیه، خشونت در روابط زناشویی، ختنه زنان و دیگر اعمال سستی خشن و خشونت های مربوط به استثمار و بهره کشی جنسی از زنان،

۲- خشونت های جسمی، جنسی و روانی در جامعه شامل تجاوز، سوء استفاده، آزار و تهدید جنسی در محل کار و مؤسسات آموزشی، خرید و فروش زنان و فحشای اجباری،

۳ - خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت .»

طبق اعلامیه فوق، از دولتها خواسته شده است تا نسبت به محو خشونت علیه زنان حتی در داخل خانواده های خود، مداخله نموده و بدین وسیله حیطه و دامنه مسئولیت دولتها را به حریم خصوصی خانه ها نیز تعمیم می دهد.

لازم به توضیح است که سند حقوقی یاد شده، یک اعلامیه است که به لحاظ حقوقی دارای قدرت الزام آور نمی باشد و از زمان تصویب آن تا کنون، مباحثاتی برای تبدیل آن به پروتکلی ویژه که دولتها با الحاق به آن ملزم به رعایت مفاد آن شوند، وجود داشته است که متأسفانه هنوز واقعیت عملی به خود نگرفته است. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹) و پروتکل الحاقی به آن، (مصوب ۱۹۹۹) مجمع عمومی ملل متحد (که حتی حق دادخواهی فردی را به رسمیت می شناسد)، توجه خاصی به خشونت علیه زنان ندارد و این امر در آن اسناد مسکوت باقی مانده است.

البته شایان ذکر است که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بطور مستقیم و مشخصاً به موضوع خشونت علیه زنان نمی پردازد، لیکن بطور



ضمنی و غیر مستقیم در ماده ۱۱ آن (برابری در اشتغال) و ماده ۱۶ (مساوات در زندگی خصوصی) می توان نفی خشونت را یافت، بدین صورت که در بطن علت خشونت علیه زنان، همواره تبعیض وجود داشته است. ماده ۶ کنوانسیون که در آن به رفع استثمار از زنان و فحشاء آنها اشاره می نماید، بیشترین ارتباط را با موضوع خشونت علیه زنان دارد.

در هر حال به خاطر مسکوت ماندن موضوع خشونت علیه زنان بطور صریح در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کمیته رفع تبعیض کنوانسیون، تصمیم گرفت که در توصیه نامه عمومی شماره ۱۹ خود، خشونت مبتنی بر جنسیت را شکلی از تبعیض بداند که تساوی زنان با مردان را بطور جدی مورد تهدید قرار می دهد. همچنین این کمیته در توصیه نامه شماره ۱۱۲ خود در سال ۱۹۸۹ به دولت‌ها پیشنهاد نمود که در گزارش‌های ادواری خود به کمیته به معیارهایی که برای مقابله با خشونت نسبت به زنان در خانواده، محیط کار و غیره در نظر گرفته اند، نیز اشاره کنند.

این اعلامیه با تعریف نسبتاً جامع و عامی که از اصطلاح خشونت علیه زنان ارائه داده است، در واقع نخستین سند حقوقی بین المللی است که در راستای سیاست محو و رفع خشونت علیه زنان گام برداشته است و قبل از آن در هیچ سند بین المللی دیگری بطور مستقیم و صریح به این موضوع اشاره نشده است. در تعریف خشونت علیه زنان در اعلامیه مذکور، هم مصادیق خشونت و هم ریشه و علل جنسیتی این خشونت‌ها مورد توجه قرار گرفته است، طبق این تعریف خشونت‌های اتفاقی علیه زنان بطور مثال خشونت در اثنای یک سرقت یا یک حمله مسلحانه، از شمول و دامنه مصادیق خشونت علیه زنان خارج می گردد و تنها خشونت‌هایی که بر اساس جنسیت زنان نسبت به آنها اعمال می گردد را شامل می شود.

نکته دیگر آنکه همانطوریکه از صدر ماده (۲) اعلامیه بر می آید، این ماده جنبه حصری ندارد و عبارت « هر چند که به آن محدود نمی شود » به خوبی مؤید این مطلب است که موارد خشونتی که در آن ماده ذکر شده است، از باب تمثیل بوده و جنبه تمثیلی دارد و موارد دیگری از انواع خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی و رفتارهای خشن و آزار دهنده نسبت به زنان را بر حسب شرایط و اوضاع و احوال زمان و مکان در جوامع مختلف و زمینه های ملی و فرهنگی آن جوامع، می توان در این مقوله گنجانید.

بند ب - اسناد بین المللی منطقه ای مربوط به خشونت علیه زنان

در سطح بین المللی منطقه ای باید به اسنادی چون پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، مصوب ۱۱ جولای ۲۰۰۳ که در خصوص حقوق زنان در آفریقاست و نیز به کنوانسیون میان آمریکایی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان مصوب ۹ ژوئن ۱۹۹۴ اشاره نمود.

پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم که توسط ۵۳ کشور آفریقایی در موزامبیک امضاء و تصویب شده است، دارای یک مقدمه و ۳۲ ماده می باشد و تصویب آن در سطح منطقه آفریقا برای حمایت از حقوق و آزادیهای زنان، حقیقتاً دستاورد بسیار مهمی محسوب می گردد. در بند ۱ ماده (۱) آن؛ خشونت علیه زنان بدین شرح تعریف شده است:

« خشونت علیه زنان، منظور تمام اقداماتی است که علیه زنان انجام می گردد که باعث می شود تا آنها از لحاظ جنسی، فیزیکی و اقتصادی یا از نظر روانی صدمه ببینند و تهدید به انجام چنین اقداماتی را نیز در بر می گیرد و یا آنها را تحت حبسهای غیر قانونی و محدودیت های خودسرانه در می آورد یا باعث محرومیت از آزادیهای بنیادینشان در زندگی خصوصی یا عمومی آنها در زمان صلح و یا در زمان تعارضهای مسلحانه یا جنگ می گردد. »

در بند k همان ماده ذکر شده است که « منظور از زنان، تمام اشخاص جنس مؤنث اعم از زنان یا دختران است ».

در سطح منطقه آمریکا نیز، کنوانسیونی که به آن کنوانسیون بلن دو پارا، نیز گفته می شود و در شهر بلن در کشور برزیل در ۹ ژوئن ۱۹۹۴ با یک مقدمه، ۵ فصل و ۲۵ ماده به تصویب رسیده است؛ به تعریف خشونت علیه زنان می پردازد و سپس وظایف دولت‌ها را در راستای محو اینگونه خشونت‌ها بیان می دارد. این کنوانسیون دارای مکانیسم اجرایی است.

بندج - کلیاتی در مورد گزارشگران ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان



در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۵ مصوب ۴ مارس ۱۹۹۴ تصمیم گرفت که گزارشگر ویژه موضوعی راجع به خشونت علیه زنان و بررسی دلایل و پیامدهای آن، منصوب نماید. خانم رادهیکا کومارا سوامی از سریلانکا از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ این سمت را بر عهده داشته اند و از سال ۲۰۰۳ خانم دکتر یاکین ارتورک به این سمت منصوب شده اند. ایشان قبلاً مدیر بخش توسعه زنان ملل متحد (DAW) در نیویورک در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ بوده اند.

در سال ۲۰۰۳، کمیسیون حقوق بشر در اجلاس پنجاه و نهم خود طی قطعنامه ۴۵ / ۲۰۰۳، قویاً تمامی اشکال و انواع خشونت علیه زنان و دختران را مطابق با اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (مصوب سال ۱۹۹۳ توسط مجمع عمومی ملل متحد) محکوم می کند و همه انواع خشونت نسبت به زنان و دختران را چه در خانواده، چه در کل جامعه توسط اجتماع، و چه توسط دولت محکوم نموده و مورد انتقاد قرار می دهد و تأکید می نماید که وظیفه دولتها آن است که از خشونت علیه زنان اجتناب کنند و رویه ها و اقدامات مقتضی برای پیشگیری از این امر اتخاذ کنند و نسبت به این موضوع، بررسی های لازم را انجام دهند و قوانین داخلی خود را نیز در این زمینه بررسی نموده و در صورت لزوم آنها را اصلاح کنند یا تغییر دهند.

دولتها موظفند در تمام انواع خشونت علیه زنان چه توسط دولت و نهادهای دولتی یا نیروهای پلیس و انتظامی صورت گرفته باشد و چه توسط اشخاص خصوصی، اقدامات موثری اتخاذ کنند که برای اینگونه زنان، جبران خسارت کارآ و موثری امکان پذیر باشد، از جمله دست یابی به امکانات پزشکی و درمانی، مساعدت نسبت به قربانیان، وجود خانه های امن برای اسکان اینگونه زنان جهت حفظ استقلال و تأمین مالی آنها و..... در قطعنامه یاد شده تأکید شده است که خشونت علیه زنان، خشونت علیه حقوق بشر و آزادی های بنیادین زنان است که حق بهره مندی زنان از حقوق و آزادی هایشان را مخدوش یا غیر ممکن می سازد.

گزارشگر ویژه موضوعی در گزارش خود، درخواست می نماید که:

۱- اطلاعات راجع به خشونت علیه زنان اخذ و دریافت گردد و نتایج و پیامدهای آن توسط دولتها گزارش داده شود، همچنین توسط نهادهای تخصصی، نهادهای غیر دولتی، دیگر گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد که مسئول بررسی سایر نقضهای مختلف حقوق بشر هستند، سازمانهای بین المللی غیر دولتی و سازمانهای بین المللی بین الدولی و به خصوص سازمانهای مربوط به زنان به اطلاعات دریافت شده فوق، بطور موثری پاسخ داده شود،

۲- اقدامات، روشها و راههایی توصیه شود که هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه ای و بین المللی به حذف خشونت علیه زنان و حذف ریشه ها و دلایل آن منجر گردد و جبران خسارت و طرق متعدد دادخواهی برای پیامدهای حاصل از خشونت علیه زنان پیش بینی شده باشد.

۳- کشورها به طور تنگاتنگی با دیگر گزارشگران ویژه، با ارکان تخصصی ملل متحد، با گروههای کاری و کارشناسان مستقل کمیسیون حقوق بشر و کمیته های فرعی پیش گیری از تبعیض و حمایت از اقلیت ها و با نهادهای ایجاد شده در چهار چوب معاهدات (۱)، همکاری نمایند و گزارش های خود در ارتباط با نقض های حقوق بشر نسبت به زنان را به این مراجع ارائه دهند و با کمیسیون مربوط به بررسی وضعیت زنان در راستای تحقق وظایف آن کمیسیون همکاری موثری داشته باشند و در این ارتباط به گروههای حقیقت یاب (۲) اجازه ملاقات و بازدید از کشور خود را اعطا نمایند و گزارشهای سالانه و موضوعی خود را به کمیسیون حقوق بشر ارائه دهند.

گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان در گزارشهای خود همیشه بر این نکته مهم تأکید کرده اند که منظور از خشونت علیه زنان، خشونت های جسمی، جنسی و روحی نسبت به زنان مرتبط با زن بودن و جنسیت (۳) آنها می باشد. همچنین این گزارشگران همواره به موضوع زنان معلول (۴) و نابرابریهای مضاعفی که به خاطر معلولیت جسمی یا روانی آنها نسبت به آنان اعمال می گردد، اشاره و توجه می نمایند.

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان همواره خواهان آن است تا در شکایتهایی که به گزارشگر ویژه در مورد خشونت گروهی و سازمان یافته توسط دولت یا حتی خشونت ها و تبعیضهای خشونت آمیز نسبت به زنان در نظام حقوقی آن کشور ارسال می گردد، توضیح داده شود که چگونه ممکن است زنان



دیگر از این نوع خشونت‌ها متأثر شوند و در هر حال باید هر گونه اطلاعاتی در مورد اینکه دولت از اعمال پیشگیری نسبت به این خشونت‌ها و یا از مجازات مرتکبان خشونت و نیز تحقیق و بررسی در خصوص خشونت‌های گزارش شده و همچنین از اینکه تضمین نماید که زنان قربانی خشونت، غرامت کافی و مناسب دریافت کنند، اهمال می‌ورزد، به گزارشگر ویژه اعلام گردد.

در این شکایتها باید به موارد مهم ذیل تصریح گردد :

۱- آیا قانونی در آن کشور وجود دارد که خود آن قانون به این خشونت دامن می‌زند یا خیر؟
۲- هر نوع کاستی و نقصی که در قوانین داخلی آن کشور نسبت به این امر وجود دارد، برای مثال: جبرانهای ناکافی در موارد خشونت علیه زنان و یا نقص در تعاریف از حقوق

۳- امتناع مقامات مسئول یا کوتاهی آنها در انجام تحقیقات و بررسی‌های موارد خشونت علیه زنان که نسبت به خود شخص گزارش دهنده (شکایت کننده) یا هر مورد مشابه دیگر وجود داشته است

۴- الگوهای تبعیض جنسیتی در نحوه دادرسی یا در مجازات کردن موارد خشونت آمیز

۵- آمار و دیگر اطلاعات مربوط به نقضهای بیان شده در دادخواستها و شکایات ارسالی

بند ۵- موضوعاتی که مورد توجه و بررسی گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد:

۱- خشونت علیه زنان در خانواده

خشونت‌های خانگی که خشونت داخلی (۵) هم نامیده می‌شود، معمولاً توسط شریک زندگی زنان یا شریک قبلی آنها صورت می‌گیرد و غالباً نا ملموس است. در این مورد به خاطر شدت خشونت‌های خانگی در برزیل، حتی یک هیات بررسی به برزیل اعزام گردیده است. خشونت خانوادگی عبارت است از تجاوز فیزیکی یا روانی توسط یک عضو خانواده علیه عضوی یا اعضای دیگر و خشونت توسط شوهران علیه زنان در داخل خانه، دومین نوع خشونت معمول در خانواده است و اولین نوع خشونت در خانواده، خشونت فیزیکی و تجاوز نسبت به کودکان خردسال زیر شش سال می‌باشد.

خانم رادهیکا کوما راسوامی (گزارشگر ویژه قبلی سازمان ملل متحد در خصوص خشونت علیه زنان) در تعریف خشونت خانوادگی می‌نویسد:

« خشونت است که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوندخورده‌اند. « صرف نظر از بی طرفی ظاهری این واژه، خشونت خانوادگی تقریباً همواره جرم وابسته به جنسیت خاص زنان محسوب می‌گردد که مردان نسبت به زنان در داخل خانه روا می‌دارند. انواع شایع خشونت خانگی نسبت به زنان عبارت است از کتک خوردن زنان، اسید پاشی مردان نسبت به زنان به خاطر خراب کردن چهره آنان (۶)، محبوس کردن زنان در منزل، شکنجه جسمی و روحی زنان، تجاوز پدران یا ناپدریها یا برادران نسبت به دختران خانواده، سوء استفاده های جنسی از زنان و دختران در داخل خانواده به ویژه دختران نا بالغ، قتل‌های ناموسی دخترانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند توسط پدران یا برادران یا اقارب آنها، سوزاندن عروس در برخی قبایل بومی به خاطر عدم کفایت جهیزیه آنها (۷) ختنه‌ی دختران و زنان (۸) در برخی جوامع و قبایل، ندادن غذای کافی به کودکان دختر یا زنان در برخی جوامع و تبادل به خاطر عدم کفایت غذا و آب آشامیدنی برای همگان و نیز اعمال تبعیض میان پسران و دختران در خانواده، ضرب و شتم زنان در دوران بارداری به خاطر اجبار آنها به سقط جنین فرزندان خود.

۲- خشونت علیه زنان در جامعه:

خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در جامعه مثل سوء استفاده های جنسی یا تجاوز در محل کار یا در کارخانه‌ها و محله‌های آموزشی نسبت به دختران و زنان، تجاوز به عفت زنان (۹) در جامعه، حملات جنسی نسبت به زنان، روسپیگری اجباری، اعمال شرایط خشونت آمیز حاکم در محل کار نسبت به زنان که گاه متجر به فرار آنها از کار و محیط کاری می‌گردد، اهانت به زنان در جامعه، متلک به زنان و ناسزا شنیدن زنان در اجتماع، فروش زنان و قاچاق آنها برای بکارگیری در روسپیگری و فحشاء، تهدید جنسی به زنان و.....

موارد فوق در بند ۲ ماده ۲ اعلامیه رفع خشونت مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۳ درج شده است.



در خصوص بررسی خشونت علیه زنان در جامعه، به خاطر شدت و گستردگی این امر در آفریقای جنوبی، هیأتی از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه موضوعی خشونت علیه زنان به آن کشور اعزام گردیده است.

۳- خشونت علیه زنان توسط دولت و نهادهای دولتی و حکومتی

طبق بند سوم ماده ۲ اعلامیه رفع خشونت، خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت ها یکی از انواع خشونت علیه زنان است. این نوع خشونت غالباً در ضمن بحرانهای ملی یا جنگها توسط خود دولتها نسبت به زنان اعمال می شود. مصداق بارز اینگونه اعمال خشونت آمیز توسط دولتها نسبت به زنان را در بحران کوزوو، در رواندا و جنگهای قبیله ای داخلی در آن کشور، در سیرالئون، در کلمبیا و در دیگر تعارضهای مسلحانه داخلی و بین المللی می توان ملاحظه نمود.

زنان در تعارضات مسلحانه و بحرانهای داخلی، غالباً پس از کودکان، آسیب پذیرترین اقشار و افراد می باشند، بردگی جنسی یا ازدواج اجباری، مثله کردن اعضای بدن زنان بطرز وحشیانه، تجاوز جنسی به زنان، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی نسبت به زنان، حبس کردن غیر قانونی زنانی که به زور حامله شده اند به قصد به اصطلاح تأثیر بر ترکیب قومی جمعیت خاص و پاکسازی نژادی یا قومی.

اینگونه خشونت های جنسی نسبت به زنان در بند ب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی رم مصوب ۱۹۹۸، به عنوان جرایم جنگی (۱۱) شناخته شده است و نیز اگر این جرایم در زمان صلح صورت پذیرد، از جرایم علیه بشریت (۱۲) بشمار می روند.

ژاپنی ها قریب سیصد هزار زن از اتباع چین، فیلیپین و مخصوصاً کره را برای ارضای جنسی سربازان خود در اسارت نگه داشته بودند و آنان را زنان آرامش بخش (۱۳) می نامیدند. همچنین بدترین تجاوزات جنسی نسبت به زنان بطور سازمان یافته و توسط نیروهای نظامی دولتی در جریان بحران کوزوو و تعارضات مسلحانه در بوسنی و هرزگوین توسط صربها و به بهانه پاکسازی قومی (۱۴) انجام می گرفت و بردگی جنسی و فحشاء اجباری و حاملگی اجباری زنان بوسنیایی و محبوس نمودن آنان تا هنگام تولد فرزندان توسط صربها و به بهانه پاکسازی نژادی و قومی و افزایش کودکان نژاد صرب از بیشترین فجایع انجام شده در طول بحران کوزوو و بوسنی و هرزگوین بشمار می رود.

۴- قاچاق زنان وبه ویژه دختران برای بکارگیری آنان در امرفحشاء اجباری

یکی از موضوع های مورد توجه گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، مسئله قاچاق زنان و دختران و بکارگیری و سوءاستفاده از آنها در امر فحشاء و روسپیگری است. ممنوعیت قاچاق زنان به حدی دارای اهمیت حقوق بشری است که در این مورد گزارشگر ویژه ای از طرف کمیسیون حقوق بشر منصوب می گردد.

خانم سیگما هودا از بنگلادش در حال حاضر بموجب قطعنامه شماره ۱۱۰، از سال ۲۰۰۴ و برای مدت ۳ سال به این سمت منصوب شده اند. در خصوص قاچاق زنان و فحشای اجباری آنها، در سال ۱۹۹۷ هیأتی از طرف کمیسیون حقوق بشر برای تفحص و بررسی به لهستان اعزام گردید. لازم به توضیح است که کنوانسیون جلوگیری از قاچاق اشخاص و بهره وری از فحشای دیگری مصوب ۲ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است (به موجب قطعنامه شماره ۳۱۷) و از ۲۵ جولای ۱۹۵۱ لازم الاجرا شده است. این کنوانسیون دارای یک مقدمه و ۲۸ ماده می باشد. - قاچاق زنان و کودکان و خرید و فروش آنها برای سوءاستفاده جنسی از آنان و بکارگیری در امر فحشاء، تجارت سفید نامیده می شود.

بند ۵ - گزارش گزارشگر ویژه موضوعی ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان (خانم دکتر یاکین ارتورک) در خصوص وضعیت زنان در ایران

خانم دکتر یاکین ارتورک در ژانویه ۲۰۰۵ به ایران وارد شدند و در بازدید و ملاقات دو هفته ای خود از ایران با بعضی مقامات مرتبط دولتی، برخی سازمانهای غیر دولتی فعال در این زمینه، با کانون وکلای دادگستری تهران (ریاست وقت کانون و بعضی اعضای هیأت مدیره آن و نیز بعضی اعضای کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای تهران)، با بعضی از مسئولین و فعالان مطبوعاتی و روزنامه نگاران و برخی افراد و اشخاص خصوصی گفتگو نموده اند، همچنین از دادگاه خانواده و برخی شعب آن بازدید کرده اند از جمله با مسئولان شعبه ۲۵۶ دادگاه خانواده گفتگو و ملاقات داشته اند. ایشان در



گفتگوی خود با مسئولان مرتبط دولتی، از آنها خواستند تا دولت جمهوری اسلامی ایران را به الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، هر چه بیشتر ترغیب نمایند و نیز گزارشهای موضوعی سالانه خود در این زمینه را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه دهند.

ایشان در ملاقات خود با مقامات قضایی دادگاه خانواده در تهران، بر ضرورت استمرار مذاکرات بین المللی در مورد زنان و وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان ایران و احراز پست های کلیدی و مهم توسط آنها در کشور ایران تأکید نمودند.

ایشان در ملاقات فوق با اشاره به بحث حضانت اطفال در ایران با تأکید بر این نکته که خودشان بعنوان یک زن مسلمان قصد ندارند اصول دین اسلام را زیر سؤال ببرند، اگر چه بعنوان یک گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل انتخاب شده و باید فرا ملی و فرا مذهبی اقدام کنند، از مبحث حضانت کودکان به عنوان یک بحث اصلی و کلیدی یاد می کنند و تقاضای اصلاحاتی در این زمینه را از دولت ایران می نمایند، چون در واقع گرفتن حضانت طفل از مادر علیرغم خواست مادر را یکی از مصادیق مهم خشونت علیه زنان در ایران می دانند.

ایشان همچنین در گزارش خود در مورد وضعیت زنان در ایران به موارد مهم ذیل اشاره می نمایند :

۱- سوء استفاده های جنسی از زنان و دختران در چارچوب خانواده که متأسفانه آمار دقیقی از این موارد در دست نمی باشد و این موارد خیلی به ندرت در سطح جامعه علنی می شود.

۲- فحشاء و روسپیگری (۱۵) در ایران که اگر چه رسماً غیر قانونی است و نهادینه نشده است ولی متأسفانه و در هر حال به عنوان یک معضل اجتماعی جدی وجود دارد و بچشم می خورد و در گزارشهای مطبوعات و روزنامه ها نیز به عنوان یک پدیده ناپهتجار اجتماعی از آن نام برده می شود.

۳- قاچاق زنان و دختران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس بخصوص به امارت متحده عربی برای بکار گیری آنها در امر فحشاء و روسپیگری.

۴- تبعیض سازمان یافته و دولتی از طریق قوانین و مقررات اعم از مدنی کیفری و به ویژه در بخشهایی از قانون مدنی در ارتباط با موضوعهای خانوادگی وارث در این مورد باید به قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷ میلادی) اشاره نمود که به زنان حقوق بیشتری اعطاء می کرد و پس از انقلاب اسلامی قانون یاد شده مورد تجدید نظر قرار داده شد و بخشهایی از آن حذف گردید.

۵- جدا سازی زن و مرد در انجام معاینات پزشکی و درمانی طبق قانون مصوب مجلس در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸ میلادی).

۶- سن ازدواج دختران و اجازه ازدواج به آنها در حداقل سن یعنی ۹ سالگی و مغایرت این امر با ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که بموجب آن زنان باید اجازه پدران یا خویشاوندان مرد خود (اقارب پدری) را برای ازدواج اخذ نمایند، که با اصلاح اخیر، حداقل سن ازدواج برای دختران، ۱۳ سالگی تعیین شده است.

۷- مسئله ازدواجهای موقت (۱۶) نکاح منقطع، ایشان باز با تأکید بر این امر که خود مسلمان هستند و قصد تخدیش دین اسلام را ندارند، بیان می کنند که این ازدواجها به زنان هیچگونه حقوقی را اعطاء نمی کند، مگر آنکه زنان خود به این موضوع آگاهی کامل داشته باشند که باید حقوق مورد مطالبه خود را در هنگام اینگونه نکاح شرط نمایند و درج کنند و متأسفانه غالب زنان از این امر آگاهی ندارند.

۸- سنگسار زنان (ومردان) به خاطر ارتکاب زنا و اشاره به اینکه در این امر نیز با قرار دادن مردان تا کمر در خاک در هنگام مجازات و زنان تا گردن در خاک و اینکه به نوعی امکان فرار زنان کمتر و سختتر خواهد شد، تبعیض وجود دارد.

۹- موضوع حضانت اطفال در قانون مدنی به این صورت که زنان پس از طلاق از همسر خود و ازدواج با شخص دیگر، حضانت طفل خود را از دست می دهند و ملزم هستند که وی را به پدر یا طبق قانون اقارب پدری طفل بسپارند، مگر در صورتی که بتوانند ثابت نمایند که پدر طفل یا اقارب پدری صلاحیت کافی برای نگهداری از طفل نخواهد داشت اگر چه طبق اصلاح اخیر قانون یاد شده حضانت اطفال (اعم از دختر و پسر) تا پایان هفت سالگی به مادر سپرده شده است، لیکن پس از آن، مسلماً مشکل یاد شده برای مادران به وجود خواهد آمد (ماده ۱۶۹).

۱۰- مسئله عدم امکان ازدواج زنان مسلمان در ایران با مرد غیر مسلمان طبق قانون مدنی، البته همانگونه که می دانید این ممنوعیت ریشه در آیه



شریفه قرآن و شریعت اسلام دارد و گزارشگر ویژه نیز خود بر این امر واقف بوده و بر این نکته تاکید می نماید.

۱۱- موضوع ارزش شهادت زن که طبق قانون کیفری ایران، نصف شهادت یک مرد در دادگاه محسوب می گردد و در برخی جرایم و موارد نیز اساساً شهادت زنان به تنهایی پذیرفته نمی شود.

۱۲- دیه زنان (۱۷) که طبق قانون کیفری ایران نصف مردان می باشد.

۱۳- لزوم اخذ اجازه زنان از همسران خود و گرفتن رضایت کتبی آنها برای سفر به خارج از کشور (به هر دلیلی که این سفر لازم باشد)، طبق قانون گذر نامه.

۱۴- ممنوعیت زنان از ورود در عرصه برخی از ورزشها و نیز در مکانهای ورزشی.

۱۵- جدا سازی زنان و مردان در جامعه و مکانهای عمومی از جمله اتوبوسها، فرودگاهها و غیره (که این امر اگر چه از مصادیق خشونت علیه زنان نیست اما در گزارش گزارشگر ویژه مورد اشاره قرار گرفته است).

۱۶- پوشش زنان در اجتماع که به انتخاب خودشان نیست.

۱۷- ممنوعیت چاپ عکس زنان بدون پوشش در رسانه های عمومی و مجلات و ممنوعیت تصویر زنان خارجی و وجود مجازاتی در قالب تعزیرات برای زنانی که بدون پوشش کافی بیرون از منزل می آیند و در اجتماع ظاهر می شوند.

۱۸- حضور بسیار کم رنگ زنان ایران در پست های مهم و کلیدی و یا سیاسی و مدیریتی و این امر که تنها ۹ نماینده در مجلس از زنان هستند و هیچ زنی در کابینه دولت به عنوان وزیر حضور ندارد و تنها یک زن در حال حاضر به عنوان مشاور ریاست جمهوری برای امور زنان (در دوره قبل) منصوب شده است.

بند و آمار و اشاره به مصادیق خشونت علیه زنان در ایران در گزارش خانم دکتر یاکین ارتورک

۱- به گزارش شانزدهم فوریه ۲۰۰۵، حدود ۲۲۰ زن در استانهای غربی ایران به خاطر امور مربوط به زنان خودکشی کرده اند. طبق گزارش ششم ژانویه ۲۰۰۴، ۱۴ زن تا پایان سال ۲۰۰۴ به سنگسار محکوم شده اند که از میان آن احکام، چهار مورد به اعدام تبدیل شده و چهار زن اعدام شدند. سال ۲۰۰۴، سال نقض فاحش حقوق بشر زنان در ایران نامیده شد و قبل از آن شانزده زن سنگسار شده بودند.

۲- دختری بنام لیلمافی در اراک که مختل المشاعر است و از طرف مادر خود از سن ۸ سالگی به فحشاء و تن فروشی مجبور می گردد به صد ضربه شلاق محکوم می شود و این ضربه را در سن ۹ سالگی زمانی که اولین فرزند وی به دنیا می آید، متحمل می گردد و بعداً نیز به اعدام محکوم می گردد که البته حکم اعدام وی بعداً لغو گردید.

۳- عاطفه رجبی در شهرستان نکای مازندران که به اتهام ارتکاب عمل منافی عفت به شلاق و اعدام محکوم می گردد و حتی به موجب گواهی پزشکی قانونی، اختلال روانی وی ثابت شده بوده است و این امر و نیز انکار عاطفه پس از ۳ بار اقرار و صغر سن وی متأسفانه مورد توجه مقامات قضایی واقع نگردید.

۴- افسانه نوروزی که به حکم دیوان عالی کشور به اتهام قتل یک مامور اطلاعات در حالی که وی سعی داشته است به افسانه تجاوز نماید و افسانه در مقابل تجاوز از خود دفاع می نموده محکوم شده است، در این آمار مورد اشاره قرار گرفته است.

۵- چهارده درصد مردان در جهان و هفت درصد مرگ زنان به خاطر اعمال خشونت است. ۶- مرتکبان خشونت علیه زنان غالباً به طور انحصاری مردان و بیشتر مردانی هستند که زنان آنها را می شناسند و معمولاً همراه آنها و یا شریک قبلی زندگی آنها بوده اند.

۷- سوء استفاده فیزیکی و جنسی شریک زندگی زنان (و همراه آنها) که همیشه همراه با صدمات روانی شدید بوده است و غالباً این صدمات ناملموس می باشد.

۸ - خشونت های جنسی علیه زنان از لحاظ بهداشتی نیز مشکلاتی را ایجاد میکند که این مشکلات طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی عبارتند



از افزایش حملات جنسی خطرناک میان جوانان و نوجوانان، حاملگیهای ناخواسته، دردهای زاید در روابط جنسی، انتقال بیماری ایدز و ویروس HIV افزایش ارزش و ارقام هزینه های درمانی و بهداشتی که صرف مشکلات و بیماریهای زنانه زنان مورد تجاوز یا خشونت قرار گرفته می شود، ایجاد فضای ناامنی و ترس در اجتماع بطوریکه حتی گزارش شده است که ۳۰ درصد زنان مورد خشونت و حمله قرار گرفته بعداً فعالیت اجتماعی خود را متوقف کرده اند و ۵۰ درصد آنها به جهت بیماریهای ناشی از این خشونت ها، مرخصی های کاری گرفته اند. خشونت های جنسی علیه زنان حتی در برخی موارد، منجر به ارتکاب قتل های عمد و صدمات شدید و نیز خودکشی زنان شده است.

۹- خانم دکتر ارتورک در خاتمه گزارش خود به آیات شریفه ۸ و ۹ سوره مبارکه تکویر در قرآن مجید اشاره می فرماید که در روز قیامت از دخترانی که زنده بگور شده اند، پرسیده می شود که به کدامین گناه به قتل رسیدید؟!

بند ز- ارتباط متقابل میان خشونت علیه زنان و بیماری ایدز (HIV)

خانم دکتر یاکین ارتورک، گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در امر خشونت علیه زنان در گزارش خود مورخ ۲۲ مارس ۲۰۰۵ که آن را به شصت و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و در ۶۱ صفحه تحت عنوان خشونت علیه زنان و آثار و پیامدهای آن تقدیم نموده است، طی دو بخش مجزا به بررسی خشونت علیه زنان می پردازد، در بخش اول ارتباط متقابل میان خشونت علیه زنان و بیماری ایدز را تشریح می نماید، و در بخش دوم بر این امر که این ارتباط متقابل ناپهناجز یک واقعیت غیر قابل انکار است تأکید دارد. ایشان در گزارش خود بیان می دارد که حمایت و ارتقای حقوق بشر زنان می تواند گسترش و شیوع بیماری ایدز و نیز آثار و پیامدهای ناگوار آن را تقلیل دهد.

بند ح- نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۸ آوریل ۲۰۰۵ در موضوع خشونت علیه زنان و وضعیت زنان خشونت دیده در جهان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اگوساک) بموجب اختیارات آن نهاد طبق ماده ۶۸ منشور ملل متحد بمنظور ترویج و ارتقاء حقوق بشر از سال ۱۹۴۶ تاسیس شده است و از مهمترین نهادهای جهانی مربوط به حقوق بشر است و در حال حاضر طبق قطعنامه مصوب ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل دارای ۵۳ عضو می باشد. این کمیسیون در ۸ آوریل سال ۲۰۰۵، در خصوص خشونت علیه زنان در جهان به طور کلی، به مواردی اشاره می نماید که اهم آنها به شرح ذیل می باشد:

۱- شصت درصد از زنانی که درجهان تقاضای طلاق می کنند، در معرض خشونت قرار گرفته اند اما تنها پنج درصد آنها عملاً به دادگاهها مراجعه و اقامه می دعوا می نمایند و عدم مراجعه سایرین به دادگاهها و یا استرداد شکایت آنها بیشتر بدین خاطر است که آن زنان از لحاظ مالی و اقتصادی به همسران خود وابسته هستند و در برخی موارد نیز به این علت می باشد که آنها از لحاظ احساسی و فرهنگی ترجیح می دهند که قربانی خشونت یا سوء استفاده باقی بمانند ولی ساکت باشند و این خشونت هارا تحمل نمایند و تقاضای طلاق نکنند.

۲- ضروری است تا خانه های امن یا نهادهای عمومی برای زنانی که در معرض خشونت قرار می گیرند تاسیس گردد تا زنان در صورت مواجهه با خشونت بتوانند به آن اماکن امن پناه ببرند و بدین ترتیب از لحاظ مالی وابسته به همسران خود نباشند و بودجه لازم برای تأمین مالی این زنان تخصیص داده شود و ضمناً محاکم اختصاصی هم برای رسیدگی به شکایات این زنان و پیگیری موضوع وجود داشته باشد.

۳- وجود پلیس و قضات زن که به مسئله خشونت علیه زنان، آگاهی و تخصص کافی داشته باشند نیز مهم و ضروری است.

نتیجه گیری

همانطور که از مطالعه اسناد و منابع بین المللی مندرج در متن مقاله حاصل می گردد، خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است و این امر در اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ نیز تصریح شده است.

مسئله خشونت نسبت به زنان یکی از موضوعهای مهم کنفرانس پکن ۱۹۹۵، کنفرانس ۲۰۰۰ نیویورک و پکن بعلاوه ۱۰ بوده است و در اعلامیه نهایی کنفرانس ژوئن سال ۲۰۰۰ در نیویورک نیز آمده است که خشونت علیه زنان و دختران چه در یک محیط عمومی و چه در یک محیط خصوصی، یک



موضوع حقوق بشر است و دولتها برای جلوگیری، تحقیق و تنبیه اعمال خشونت علیه زنان که از طرف مسئولان دولتی و یا اشخاص خصوصی به وقوع پیوسته باشد، دارای وظایفی هستند و باید در جهت حمایت از قربانیان خشونت و تأمین سرپناه و تخصیص بودجه کافی برای تأمین مالی آنها و نیز احقاق حق آنها بطور کامل و مؤثر بکوشند.

بنا بر اظهار نظر آقای پطرس عالی دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان پدیده جهانی است و باید با آن بطور جهانی مبارزه نمود و آقای کوفی عنان دبیر کل وقت ملل متحد در گزارش هزاره خود در سال ۲۰۰۰، دو رهایی مهم را برای بشر در آغاز قرن بیست و یکم مطرح کرد که رهایی از ترس حتی در حریم خانه را جزئی از این دو رهایی عمده بشر دانست.

سازمان ملل متحد تا کنون با مجموعه ای از امکانات خود شامل تدوین اعلامیه، توصیه نامه، انتخاب گزارشگر ویژه، تشکیل صندوقهای خاص و اعلام روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، تمامی کوشش خود را برای محو این پدیده ناهنجار بکار گرفته است، لیکن امحاء کامل آن نیازمند آموزش بیشتر زنان و اجتماع و مسئولان دولتی و آگاهی فزاینده و تلاش دولتها و همکاری عمیق بین المللی آنها برای انجام تمهیدات خود در جهت جلوگیری و مبارزه با این پدیده شوم می باشد.

به نظر می رسد برای محو کامل خشونت علیه زنان، تا زمانی که قانونگذاران بپذیرند که زنان، شهروند درجه دوم نیستند و دارای ارزش برابر با مردان جامعه هستند، اصلاحات جزئی در قانون تأثیری نخواهد داشت و تنها با اصلاح دیدگاه جنسیتی و مشارکت کامل زن و مرد در زندگی، می توان قوانین خشونت آمیز نسبت به زنان را حذف و اصلاح نمود.



پی نوشت ها:

- 1- Treaty bodies
- 2- Fact finding groups
- 3- Gender violence
- 4- Disabled women
- 5- Domestic violence
- 6- این امر به حدی در ینگلادش شایع است که در قانون جزایی آن کشور، بخش ویژه‌ای به جرم اسید پاشی اختصاص یافته است.
- 7- سوزاندن عروس در برخی از قبایل بومی به خصوص در کشور هندوستان رایج بوده است که در ظاهر اینطور به نظر می رسد که دختر شخصاً خودکشی کرده است در حالی که بخاطر کم بودن چهیزه توسط همسر خود یا مادر وی به قتل رسانده شده است.
- 8- این امر حتی از لحاظ بهداشتی نیز طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، بسیار مضموم و غیر انسانی بوده و منجر به صدمات شدید جسمی و جنسی و حتی روحی به زنان شده و مواردی منجر به مرگ آنها می گردد. طبق قانون داخلی آمریکا، این عمل جرم محسوب می شود و مجازات ارتکاب این عمل، مدت ۵ سال حبس می باشد.
- 9- Rape
- 10- برای بررسی این امر، از طرف گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، هیاتی به کلمبیا و سیرالئون و به جمهوری خلق کره و ژاپن و نیز هیات جداگانه برای بررسی خشونت علیه زنان در زندانهای ایالات مختلف آمریکا اعزام شده است.
- 11- War Crimes
- 12- Crimes against humanity
- 13- Comfortable women
- 14- Ethnic cleansing
- 15- Prostitution
- 16- Temporany marriage
- 17- Blood money